







کتاب تحفه الملوك



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله واصحابه اجمعين اما بعد اني ايت
از كتب قدما اختيار کرده اند و فوائد بسیار در هر حرفی مرقوم است از هر ریزی کنیزی و از هر شایسته
بشارتی مستفادست یقین که چون سعادت مند ازین پند و لید پر بهره مند گردد متصف بعبادت حمیده
و اخلاق پسندیده که شعار ارباب دین و دولت و دثار اصحاب ملک و ملت است گردد امید واثق که
بعبادت و جپایی و دولت جاودانی واصل شود و این رساله مسلمات بتحفة الملوك و موبست
بجمل باب و هر باب مشتمل بر چهار نصیحت و بانه التوفیق باب اول در آنکه چهار چیز بادشاهی را
نگاه دارد رعایت و محافظت دین و وزیر امین یا تمکین نگاهدانستن عزم و نگه داشتن جزم بایستد
در آنکه چهار چیز نتوان کرد الا بچهار چیز پادشاهی نتوان الا بعمل دو شش پلاک نتوان کرد الا بدو
محبت نتوان افزود الا بتواضع بپرداز نتوان رسید الا بصبر باب سوم در آنکه چهار چیز را از چهار چیز
چاره نیست پادشاهی را از سیاست و زیر لافانت لشکر از تربیت رعیت را از رعایت باب
چهارم در آنکه چهار چیز را بچهار چیز حاجت سلطان از بوزیران با صلاح و لیران را بصلاح اسب را بآب
تیغ را بقیضه باب پنجم در آنکه چهار چیز را ورد باید کرد دوست بدست آوردن با همه کس نیکی کردن در
آبادانی کوشیدن بر خلق خدای بخشیدن ششم در آنکه چهار چیز نباید کرد تا کسر نیابت شود قیوع کار را با ناسزا
نکوئی با ماکسان در کار با تقیل فنی و مجوز و عصیان باب هفتم در آنکه چهار چیز بر همه خلق نیکیست
عدالت و راستی علم و داد عقل و حلم و خرد و صبر باب هشتم در آنکه چهار چیز بر همه خلق نه زیباست
حق و حسد کبر و نخوت خشم و غضب کالت و بی نمازی باب نهم در آنکه چهار چیز است سلطان
غفلت امیران خیانت وزیران کثافتی حقیران حسد وزیران باب دهم در آنکه با چهار رکن مدار باید کرد
با سلطان ستمکار با مردم بیمار با طایفه ناهشیار با یار نیکو کار باب یازدهم در آنکه چهار چیز موجب
ثبات سلطنت است عدالت و شجاعت مروت و فتوت سخاوت و عطیت رحمت و شفقت
باب دوازدهم در آنکه چهار چیز موجب یکنی است اصل باک و بت پاک را ی مستقیم و طبع سلیم
باب سیزدهم در آنکه چهار چیز موجب جمعیت است امن و استقامت نصیحت و فراغت باب چهاردهم
در آنکه چهار چیز موجب دولتست فرزندان نامید اسمانی امام برگزیده احکام پسندیده باب
پانزدهم در آنکه چهار چیز نشان بدختی است کاهی و جایی ناکه یکس باب شانزدهم در آنکه
بچهار چیز رعایت شرط است طاعت و نصیحت شفقت و امانت باب هجدهم در آنکه چهار
موجب شادمانی است نواخت سلطان دعای زاهدان ثنای بزرگان دیدن دوستان باب
هزدهم در آنکه چهار چیز است که بدان مغرور نباید شد قرب سلطان زهد سیادان نصیحت حاسدان

دوستی زنان باب نوزدهم در آنکه چهار چیز کار نادر تمام کند دوستی با بزرگان تفکر در داستان تدبیر
راستان شنیدن حدیث دوستان باب بیستم در آنکه چهار چیز نشان ابلیس است خویشتن بد
تکبر عیب دیگران کردن بخیل کردن سفله را امین داشتن باب بیست و یکم در آنکه چهار چیز دلیل
شقاوت است صحبت داشتن با جاهلان دوستی کردن با بدان نصیحت شنیدن از فضولان عمل
کردن بقول زنان باب بیست و دوم در آنکه از چهار چیز احتراز باید کرد از شتاب و تعجل از خشم
و غضب از بخل و امساک از عجب و تکبر باب بیست و سوم در آنکه چهار چیز موجب فلاکت است
خشم و غیبت حسد و وقاحت تکبر و نخوت طمع و شهوت باب بیست و چهارم در آنکه چهار
دلیل سعادت است قول و عهد درست تواضع در همه حال سعی در کسب کمال نیکو داشتن راز با نیکو
و پنجم در آنکه چهار چیز موجب ثروت است با دوستان مشورت با دشمنان مدارا ترک هوا و آرزوهای
تحمل و صبر از قضا یا باب بیست و ششم در آنکه چهار چیز واقفیه ممکن نیست که قضا دانیدن و قدر را
باطل کردن حق را نیکو کردن بد خود را خوشنود کردن خلق را باب بیست و هفتم در آنکه چهار چیز ضرر
نماید و بزرگست دشمنی آتش بیماری دانش باب بیست و هشتم در آنکه چهار چیز بادشاهی را خراب
آرد ظلم ابران غفلت و زیان خیانت و پیران ستم بر حقیران باب بیست و نهم در آنکه چهار چیز را
بقای خود حکم ظالم را طرین میزد و حال حرام را اگر دشمن ایام را باب سی و ام در آنکه چهار چیز عاقبت چهار
چیز است عاقبت بجا رسوائی عاقبت خشم پشیمانی عاقبت بدگوئی عاقبت دشمنی عاقبت کینه
خواری باب سی و یکم در آنکه چهار چیز چهار چیز تمام شود و دانش بفضل طاعت بوع عمل بصدق
نعمت به شکر باب سی و دوم در آنکه چهار چیز چهار چیز آورد خاموشی راحت فضیله ملامت سخاوت
مهری شکر افزونی باب سی و سوم در آنکه چهار چیز شخص را ضعیف کند دشمنی بسیار قرض بسیار زاری
بسیار عیال باطلت مال باب سی و چهارم در آنکه چهار چیز را بر ذلت بسیار نعمت را بیداری قوت
کسالت دولت را تکبر فروت را باب سی و پنجم در آنکه چهار چیز را باز شو ان آورد دشمنی کوفت
را بر انداختن را قضای رفته را عمر گذشتن را باب سی و ششم در آنکه چهار کار کردی چهار چیز از هم
سوال کردن را خواری یافتن جمید شنیدن را بشیانی دیدن نزل بسیار کردن بسیار یاف
بسیار اطین ویری کردن را هلاک شدن باب سی و هفتم در آنکه چهار چیز دلیل نادانی است با نا آرد
کسالتی کردن از زنان چشم و فاداشتن از دزدان می بودن و بر کودکان اعتماد کردن باب سی و هشتم
در آنکه چهار چیز نقصان عمر است و بیم مرگ است بسیار مجامعت کردن بسیار بکرمایه رفتن میوه خام خوردن
بزرگان بیز صحبت داشتن باب سی و نهم در آنکه چهار چیز چهار کس را خاشد دود کوراموت بخل را سعاد
بد کور را راحت بد خو را مهری باب چهلم چهار چیز اهل سعادت دو جهانی و مرادات جاودانی